

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۲۲ جنوری ۲۰۱۵

سرمه های آزموده!!!

با مطالعه طنز جالب، سروده جناب کمباور کابلی انتشار یافته ۲۱ جنوری ۲۰۱۵ پورتال محبوب "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میخوام شعری را که در دوران زعامت تنظیمهای جنگروک، آدمکش و ویرانگر سروده شده است، یک بار دیگر نشر کنم. با حرمت و احترام به مقام والا و مقدس مجاهد، خاصه مجاهدان پاک، بی آلیش و صادق به وطن، که جانهای عزیز خود را صادقانه و عاشقانه در راه حفظ آزادی، نوامیس ملی و افتخار وطن قربان کرده و در گمنامی به حق پیوستند و امروز کسی از ایشان یاد نمیکند، میخوام سروده ای را که در گرماگرم یخن دریدن های تنظیمی سروده شده است، به یاد آن روزهای تاریک به دست نشر بسپارم.

در جایی نوشته بودم، که من و دوستانی به سن و سال من، تاریخ زنده هفتاد سال اخیر هستیم که با شگفتن هر گل در وطن میشگفتیم و با ریختن هر برگ از درخت، سراپا میلرزیدیم و امروز هم با وجود دوری از وطن، با حوادث آن پیوند ناگسستی داریم. متأسفانه قسمی که انتخابات و تعیین رئیس جمهور، طولانی و پرجنجال بود، اینک کابینه زیر نام وحدت ملی هم، جنجال برانگیزتر شده است، بخصوص که فیل امیر صاحب اسمعیل خان کنجاره خواب دیده، یاد هندستان میکند. با روی کار آمدن دولت تنظیمی – من با خودداری از اهانت به مقام والا مجاهد، اصلاً دولت مجاهدین نمیگویم – که هر عضو آن به فرمانبرداری از کسی و دستگاهی، بیرون از سرحد وابستگی داشت، این فاجعه به سطح ملی و بین المللی از دیده ها دور نماند که سرمایه های مادی و معنوی مردم از بنیاد ویران شد و خائنانه ترین اعمال چون دزدی، قتل، غارت، تجاوز بر نوامیس مردم، غصب دارائیهای ملی، ویرانی آثار تاریخی، میخ کوبیدن در سرها، رقص مرده و هزاران بدعت غیر انسانی و اسلامی در برابر مردم صورت گرفت و اینک امیر صاحب که به یقین غم خود و گماشتگان خود را میخورد، با ادعای کاذب بی نظمی و قیامهای دوماه بعد را هم پیش بینی می کند. اینها از جمله امیر صاحب ادعاء دارد که به مجاهدین راه حق – منظور همان آدمکشان تنظیمی ست – چرا در دولت راه و جاه داده نمیشود. به عقیده من بهتر است این

آقا را چند گاهی خانه نشین و تحت نظارت بگیرند، تا ازین بلندپروازیها، باز مصیبت بیست و سه سال پیش را بار نیاورد و شهرها را به خون نکشد. اینک شعری که بی کفایتیهای عام و تام تنظیمداران بی نظم را نشان میدهد، با تغییر مختصر در مصراع دوم مقطع، تقدیم میکنم تا از طرف من جوابی باشد به امیر صاحب و پیروانش:

فرمانبرداری تا فرمانروائی!!!

مرد میدان دیگر و طفل دبستان دیگر است	برق سوزان دیگر و شمع شبستان دیگر است
ای به جنگ و دشمنی برخاسته، هشیار باش	چاره غمهای این قوم پریشان دیگر است
شاخ آفت دیده این باغ، ویران گشته را	صرصر باد صبا تا خشم طوفان دیگر است
در هوای صلح، راه جنگ پیمودن خطاست	حافظ جان دیگر و بگذشتن از جان دیگر است
نظم و نسق جامعه در حلقه تنظیم نیست	راه فرمانبر دگر، تطبیق فرمان دیگر است
خامه بر کف داشتن، یا تیغ در صف داشتن	نزد ارباب خرد، این دیگر است آن دیگر است
ای طبیب حاذق آخر چشم بگشا و ببین	درد مردم دیگر است و شکل درمان دیگر است
ما به زیر سایه اسلام بسدعت میکنیم	کفر میخیزد اگر گویم، مسلمان دیگر است
آیه «لا تفرقوا» خوانیم و با هم دشمنیم	کرده ما دیگر و ارشاد قرآن دیگر است

جان و دل میسوزد از بی اتفاقیها (اسیر)

بس که میگویند هر قومی ز افغان دیگر است

(م. نسیم «اسیر» - بن المان، ۲ می ۱۹۹۲ع)